

Postnationalism and Comparative Literature: New Perspectives in Intercultural Research

Yahya Ataei¹



Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Payame Noor University

Abstract

In recent decades, post-nationalism has emerged as a novel theoretical approach in literary studies, transcending traditional national and cultural boundaries. Particularly in comparative literature, it reexamines textual analysis and offers new perspectives on intercultural relations influenced by globalization, migration, and multiple identities. This article introduces the theory of 'Post-national Comparative Literature' and explores its transformation of literary studies. Using conceptual and theoretical analysis, it examines scholarly sources and literary works within this framework. The article reviews the advantages and disadvantages of post-nationalism, highlighting its focus on cultural interactions and multiple identities as strengths, which could expand new horizons in cultural and literary studies. However, one challenge is the overemphasis on globalization, sometimes neglecting local and indigenous features, threatening cultural and linguistic identities. The conclusion suggests that post-nationalism is an effective tool for understanding global cultural complexities and analyzing literary works beyond national borders. The article proposes future research directions, such as exploring the interdisciplinary aspects of post-nationalism, examining the role of digital technologies and virtual spaces, and analyzing global policies' impact on migration literature. Additionally, studying intertextual interactions and globalization's effect on preserving or threatening indigenous identities and local languages are essential areas for further exploration.

Keywords: Postnationalism, Comparative Literature, Globalization, Cultural Identity, Intercultural Relations, Multiple Identities, Migration Literature, Conceptual Analysis

* Corresponding Author: y.ataei@pnu.ac.ir

How to Cite: Y. Ataei. Postnationalism and Comparative Literature: New Perspectives in Intercultural Research. Comparative and Interdisciplinary Studies of Literature, 2025, 1 (2), 1 - 22. doi: 0

Original research

Accepted: 22/05/2025

Received: 05/03/2025

ISSN:

EISSN:

پساملی‌گرایی و ادبیات تطبیقی چشم‌اندازهای جدید در پژوهش‌های بینافرهنگی

یحیی عطایی^۱ 
استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور

چکیده

پساملی‌گرایی در دهه‌های اخیر به‌عنوان رویکرد نظری نوین مرزهای ملی و فرهنگی را در مطالعات ادبیات فراتر از هویت‌های سنتی بازتعریف کرده است. این رویکرد در ادبیات تطبیقی در پی بازاندیشی در تحلیل متون و ارائه‌ی چشم‌اندازهایی نوین در روابط بینافرهنگی است که تحت تأثیر جهانی‌شدن، مهاجرت و هویت‌های چندگانه قرار دارند. مقاله‌ی حاضر به معرفی نظریه‌ی «ادبیات تطبیقی پساملی‌گرایی» پرداخته و به‌طور خاص به بازتعریف و دگرگونی مطالعات ادبی در چهارچوب این رویکرد می‌پردازد. روش پژوهش بر تحلیل مفهومی و نظری مبتنی بوده و منابع پژوهشی و آثار ادبی معتبر تحلیل شده‌اند. همچنین محاسن و معایب پساملی‌گرایی بررسی و آثار مختلف پژوهشی و ادبی که با رویکرد تطبیقی تحلیل شده‌اند، معرفی شده‌اند. از جمله ویژگی‌های مثبت این رویکرد می‌توان به تمرکز بر تعاملات فرهنگی و هویت‌های چندگانه اشاره کرد که می‌تواند گامی مؤثر در گسترش افق‌های نوین مطالعات فرهنگی و ادبی باشد. با این حال یکی از چالش‌های آن تأکید بیش‌ازحد بر جهانی‌شدن است که گاهی موجب نادیده گرفتن ویژگی‌های محلی و بومی می‌شود و تهدیداتی را برای هویت‌های فرهنگی و زبانی به همراه دارد. نتیجه‌گیری مقاله نشان می‌دهد که پساملی‌گرایی می‌تواند ابزاری مؤثر برای درک پیچیدگی‌های فرهنگی و تعاملات جهانی در دنیای امروز باشد و به تحلیل آثار ادبی فراتر از مرزهای ملی کمک کند. این مقاله با هدف گشودن فضای جدیدی در پژوهش‌های بینافرهنگی، ابعاد نوین در ارتباطات ادبی را شناسایی کرده است و پیشنهادت زیر را برای پژوهش در این حوزه ارائه می‌دهد: تمرکز بر ابعاد بینارشته‌ای پساملی‌گرایی، بررسی تأثیر فناوری‌های دیجیتال و فضای مجازی، تحلیل تأثیر سیاست‌های جهانی بر ادبیات مهاجرت، بررسی تعاملات بینامتنی و نقش جهانی‌شدن در حفظ یا تهدید هویت‌های بومی و زبان‌های محلی از زمینه‌های مهم پژوهشی در این حوزه به شمار می‌روند.

کلیدواژه‌ها: پساملی‌گرایی، ادبیات تطبیقی، جهانی‌شدن، هویت فرهنگی، روابط بینافرهنگی، هویت‌های چندگانه، ادبیات مهاجرت، تحلیل مفهومی.

۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی همواره به دنبال یافتن نقاط اشتراک و تفاوت میان متون از فرهنگ‌های مختلف بوده است. این رشته علمی بویژه در قرن بیستم از نظریه‌های مختلفی برای تحلیل و مقایسه متون ادبی استفاده کرده است. با این حال در دهه‌های اخیر و بویژه پس از تحولات جهانی شدن و تغییرات فرهنگی، رویکردهای جدیدی در این حوزه مطرح شده‌اند که به تفاوت‌ها و شباهت‌های میان متون ادبی و نیز تعاملات پیچیده فرهنگی و مرزهای جدید هویت می‌پردازند. یکی از این رویکردهای نوظهور پساملی‌گرایی است که در ادبیات تطبیقی توجه بسیاری را به خود جلب کرده است. جهانی شدن با تأثیرگذاری بر حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و در نگاهی گسترده‌تر بر تمامی ابعاد زندگی انسان موجب همگرایی اقوام و ملت‌های مختلف شده و آن‌ها را خواه ناخواه به نوعی تعامل واداشته است (طایفی، ۱۴۰۳: ۱۱).

پساملی‌گرایی به عنوان یک رویکرد نظری و فلسفی، مفاهیمی چون هویت ملی، مرزهای جغرافیایی و فرهنگ‌های بومی را به چالش کشیده و به جای تمرکز بر مرزهای ثابت به دنبال فهمی پویا و چندوجهی از فرهنگ‌ها و ملت‌هاست. این نظریه که در سال‌های اخیر در حوزه‌های مختلف از جمله مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی و زبان‌شناسی مورد توجه قرار گرفته در ادبیات تطبیقی نیز به عنوان راهی جدید برای تحلیل و مقایسه آثار ادبی مطرح شده است. پساملی‌گرایی^۱ در این زمینه بر آن است که ادبیات جهانی از مرزهای ملی فراتر رفته و روابط فرهنگی بین‌المللی و جهانی شدن به شکل نوینی بازتعریف می‌شود.

چشم‌اندازهای جدید در پژوهش‌های بینا فرهنگی بویژه در زمینه ادبیات تطبیقی پساملی به دنبال درک ارتباطات پیچیده فرهنگی است و از سویی به دنبال شناسایی الگوها و روندهای جدیدی است که در دنیای امروز و در فضای جهانی شده ظهور کرده‌اند. این چشم‌اندازها به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا با در نظر گرفتن تحولات جهانی، متون ادبی را در سطحی فراتر از مرزهای ملی تحلیل کنند. به عبارت دیگر پساملی‌گرایی به عنوان یک رویکرد انتقادی، موجب بازاندیشی در انتقادی، موجب بازاندیشی در روش‌های سنتی مقایسه متون ادبی شده و به جای آن به مفاهیم پیچیده‌تری چون مهاجرت، هویت‌های متناقض و تعاملات بینا فرهنگی توجه دارد.

در این مقاله پساملی‌گرایی به عنوان یک رویکرد نظری در ادبیات تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته است. هدف اصلی این پژوهش تحلیل و معرفی چگونگی تحولاتی است که این رویکرد در مطالعات ادبی و بینا فرهنگی ایجاد کرده است.

این پژوهش به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه پساملی‌گرایی می‌تواند به عنوان ابزاری جدید در تحلیل و مقایسه متون ادبی از فرهنگ‌های مختلف به کار گرفته شود و چه چشم‌اندازهایی در زمینه پژوهش‌های بینا فرهنگی پدید می‌آورد.

اهمیت و ضرورت این پژوهش از آن جا نشأت می‌گیرد که با توجه به تحولات سریع جهانی شدن و تغییرات فرهنگی در دهه‌های اخیر نیاز به رویکردهای جدید در تحلیل متون ادبی و مقایسه فرهنگ‌ها بسیار احساس می‌شود. ادبیات به عنوان یکی از عناصر کلیدی شکل‌دهنده هویت فرهنگی و اجتماعی نقش حیاتی در انتقال مفاهیم و تجارب فرهنگی دارد. از این رو مطالعات تطبیقی پساملی می‌تواند به عنوان ابزاری مؤثر برای درک بهتر و جامع‌تر این تحولات فرهنگی و هویتی در دنیای امروز مطرح شود. همچنین این پژوهش می‌تواند به عنوان گامی در جهت تکمیل و گسترش دیدگاه‌های جدید در عرصه‌های مطالعات فرهنگی، ادبیات تطبیقی و مطالعات بینا فرهنگی محسوب بشود و نیز موجب توجه بیش از پیش به آثار ادبی سنتی و معاصر از این منظر باشد.

۲-۱. پرسش‌ها و فرضیه‌های پژوهش

پرسش‌های اصلی

۱. چگونه پساملی‌گرایی به عنوان یک رویکرد جدید در ادبیات تطبیقی به تحلیل متون فرهنگی از منظر جهانی شدن کمک می‌کند؟
۲. پساملی‌گرایی چه تأثیری بر پژوهش‌های بینا فرهنگی و روابط میان فرهنگ‌ها دارد؟

پرسش‌های فرعی

۱. چگونه پساملی‌گرایی به تحلیل هویت‌های چندگانه و متناقض در متون ادبی می‌پردازد؟
۲. چه الگوهای جدیدی در مقایسه متون ادبی از فرهنگ‌های مختلف با رویکرد پساملی‌گرایی قابل شناسایی است؟

فرضیه‌های پژوهش

- فرضیه‌های این پژوهش به منظور بررسی امکان‌سنجی تأثیرات پساملی‌گرایی در مطالعات ادبی و فرهنگی مطرح شده‌اند.
۱. پساملی‌گرایی می‌تواند به عنوان یک رویکرد جدید در تحلیل و مقایسه متون ادبی، مرزهای ملی و فرهنگی را فراتر از دیدگاه‌های سنتی بازتعریف کند.
 ۲. این رویکرد بویژه در زمینه‌های جهانی شدن و تعاملات بینا فرهنگی موجب تغییراتی در تحلیل متون و ساختارهای هویتی خواهد شد.
 ۳. پساملی‌گرایی به تحلیل روابط پیچیده میان هویت‌ها و فرهنگ‌ها در دنیای معاصر کمک کرده و امکان درک عمیق‌تری از تعاملات فرهنگی می‌دهد.

۴. پساملی‌گرایی می‌تواند به‌عنوان ابزاری به مقابله با چالش‌های نظری در ادبیات تطبیقی کمک کند و به گسترش روش‌های نوین در پژوهش‌های بینافرهنگی منجر شود.

۳-۱. پیشینه پژوهش

در سال‌های اخیر تحقیقات بسیاری در زمینه پساملی‌گرایی و تأثیر آن بر رشته‌های مختلف علمی از جمله ادبیات تطبیقی صورت گرفته است. با این حال این نظریه در پژوهش‌های ایرانی چندان مورد توجه قرار نگرفته و بررسی‌های جامع در ارتباط با آن نادر است. بنابراین پژوهش حاضر به دنبال معرفی این رویکرد در ادبیات تطبیقی است تا گامی در جهت پرکردن این خلاء بردارد. پیشینه غیرفارسی‌زبان این نظریه عمدتاً در چهارچوب مطالعات جهانی‌شدن، هویت‌های فرهنگی و تعاملات بینافرهنگی قرار دارد و در مقالات و کتاب‌های معتبر به‌صورت گسترده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. پژوهش‌های بینافرهنگی که بر اساس این نظریه انجام شده‌اند بر تفکیک مرزهای ملی و تحلیل ادبیات در سطح جهانی و پویا تأکید دارند.

نصرتی و محمدی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای سه نگرش مختلف را بررسی کرده‌اند: ۱. حامیان تداوم حاکمیت دولت‌های ملی. ۲. کسانی که به ایجاد کارکردهای جدید برای دولت ملی اعتقاد دارند. ۳. طرفداران زوال و فرسایش حاکمیت دولت ملی. نویسندگان این مقاله می‌گویند که علیرغم فشارها و محدودیت‌های موجود در عملکرد دولت‌های ملی این محدودیت‌ها نتوانسته‌اند حاکمیت ملی کشورها را از بین ببرند، بلکه تنها دامنه و مفهوم حاکمیت ملی را تغییر داده‌اند.

حجازی (۱۳۸۵) به بررسی رابطه هویت ملی و انسانی می‌پردازد و تأکید دارد که حفظ هویت ملی برای تقویت خودباوری ضروری است. به باور او هویت انسانی با حرکت به سوی هویتی فراملی اهمیت بیشتری می‌یابد. او تأثیر حماسه‌سرایی فردوسی و عرفان مولوی بر تعامل اندیشه‌ها و تحول از ملی‌گرایی به فراملی‌گرایی را بررسی کرده است.

پیشگاهی‌فرد (۱۳۸۰) جهانی‌شدن را در چهار بُعد اقتصادی، فرهنگی، تبادل اطلاعات و مدیریت سیاسی تحلیل کرده است. در اقتصاد، کاهش مرزهای جغرافیایی و گسترش شرکت‌های جهانی مطرح شده است. در فرهنگ، تضاد میان نابودی هویت‌های ملی و شکل‌گیری فرهنگ عمومی بررسی شده است. در تبادل اطلاعات، تحول مفهوم فاصله و در مدیریت سیاسی، امکان ایجاد جامعه مدنی جهانی تحلیل شده است.

۴-۱. روش

پژوهش حاضر از نوع نظری است و هدف آن معرفی و تحلیل رویکرد پساملی‌گرایی در ادبیات تطبیقی است. این تحقیق به‌صورت کیفی و از طریق تحلیل مفهومی انجام شده است. همچنین از روش‌های تحلیل محتوای انتقادی و تطبیقی استفاده شده است تا تأثیرات پساملی‌گرایی در حوزه ادبیات تطبیقی و پژوهش‌های بینافرهنگی را بررسی کند.

این شیوه به پژوهشگران این امکان را می‌دهد تا مفاهیم بنیادی پساملی‌گرایی را معرفی‌کنند و کاربردهای آن را در زمینه‌های مختلف ادبی و فرهنگی تجزیه و تحلیل نمایند.

۲. بحث

ادبیات همواره بازتابی از هویت فرهنگی، اجتماعی و تاریخی جوامع بوده است. در یک سوی آثاری قرار دارند که ریشه در هویت ملی و قومی دارند و اغلب در واکنش به تهدیدهای بیرونی شکل می‌گیرند. این دسته از متون، مانند شاهنامه فردوسی بازتاب تلاش برای حفظ و تثبیت یک هویت مشخص در برابر نیروهای مهاجم و تحولات تاریخی است. نمونه‌هایی دیگر را می‌توان در شعر جاهلی عربی یافت که در ستایش مفاخر قبیله‌ای و در تقابل با دیگر اقوام با لحن حماسی سروده شده است. این نوع ادبیات اغلب بر تمایزگذاری میان «خود» و «دیگری» تأکید دارد و به تقویت احساسات ملی‌گرایانه و قومی منجر می‌شود.

در سوی دیگر ادبیاتی قرار دارد که از مرزهای ملی، زبانی و فرهنگی فراتر می‌رود و به مفاهیمی جهان‌شمول می‌پردازد. عرفان ایرانی - اسلامی نمونه بارزی از این جریان است که در آثار بزرگانی چون عطار و مولوی تجلی یافته است. این متون بر یگانگی بشری، بی‌اعتباری مرزهای جغرافیایی و زبان‌های گوناگون و اتصال انسان به حقیقتی فراتر از تعلقات قومی و ملی تأکید دارند. در این نوع ادبیات هویت به مفهوم ملی آن محو می‌شود و خود مفهوم «دیگری» نیز رنگ می‌بازد و «جست‌وجوی وحدت و کلیت» جایگزین آن می‌گردد.

این طیف در ادبیات از واکنش‌های ملی‌گرایانه تا رویکردهای جهان‌وطنی، تحت تأثیر شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هر دوره دستخوش تغییر بوده است. در دوران معاصر نیز این روند ادامه داشته و در مواجهه با جهانی‌شدن، ادبیات برخی جوامع به سوی احیای هویت‌های بومی و ملی گرایش پیدا کرده است؛ درحالی‌که برخی جریان‌های فکری و ادبی به دنبال فراروی از مرزهای سیاسی و زبانی به سمت ادبیاتی فراملی و انسان‌گرایانه هستند.

این طیف را می‌توان به این شکل دید:

- ادبیات قومی و ملی‌گرا (حماسی و...) ← واکنش به تهدیدهای نیروهای بیرونی (اعم از جنگ واقعی یا ترس از ورود اندیشه‌های بیگانه) و تلاش برای حفظ هویت.

- ادبیات جهان‌وطنی (عرفانی و...) ← رهایی از قیود قومی و جغرافیایی و حرکت به سمت مفاهیم عام انسانی.

گسست در این طیف: یک نکته‌ی مهم در این بحث این است که جهان‌وطنی و ملی‌گرایی آثار ادبی صرفاً به زمینه تاریخی و سیاسی آن دوره وابسته نیست بلکه به ماهیت خود اثر، نوع مخاطبان و هدف نویسنده یا شاعر نیز بستگی دارد. برخی از آثار حماسی در عین داشتن محتوای ملی‌گرایانه فراتر از مرزهای یک ملت حرکت کرده‌اند و به دلیل پرداختن به مضامین عام انسانی در جوامع مختلف مورد پذیرش قرار گرفته‌اند.

مثلاً شاهنامه فردوسی و ایلید و اودیسه هومر با وجود تأکید بر هویت سرزمینی خاص در فرهنگ‌های دیگر نیز تأثیر گذاشته‌اند. از سوی دیگر برخی متون عرفانی که ظاهراً جهان‌شمول هستند ممکن است در لایه‌های زیرین خود بازتابی از سنت‌های فرهنگی خاص باشند. پس این طیف علاوه بر دیدگاه تاریخی و سیاسی از نظر زبانی، سبکی و محتوایی هم قابل بررسی است.

۱-۲. تعریف و مبانی نظری پساملی‌گرایی

پساملی‌گرایی به‌عنوان یک رویکرد انتقادی به مرزهای ملی و هویت‌های ملی در تحلیل متون ادبی و فرهنگی مطرح می‌شود. این نظریه در زمینه ادبیات تطبیقی بویژه در بررسی روابط بین فرهنگ‌ها و متون ادبی مختلف، سعی در بازتعریف هویت‌ها و مفاهیم فرهنگی، فراتر از مرزهای ملی دارد. از آن‌جاکه ادبیات تطبیقی به مطالعه متونی از فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف می‌پردازد، پساملی‌گرایی در این زمینه به چگونگی تحلیل و مقایسه این متون از منظر فراتر از ملیت‌ها و هویت‌های ثابت توجه دارد. مبانی نظری پساملی‌گرایی در ادبیات تطبیقی شامل نکات زیر است:

الف. چندگانگی هویتی در ادبیات:

پساملی‌گرایی بر اساس ایده‌های کثرت‌گرایانه در تحلیل ادبیات تطبیقی بر این مسأله تأکید و تکیه دارد که هویت‌ها تنها در چهارچوب‌های ملی محدود نمی‌شوند و متون ادبی می‌توانند نمایانگر هویت‌های متنوع و هم‌زمان باشند که تحت تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی مختلف شکل می‌گیرند. در ادامه دو نمونه مهم در ادبیات تطبیقی که چندگانگی هویتی را در چهارچوب پساملی‌گرایی نشان می‌دهند ارائه می‌شود:

۱. رمان آمریکانا^۱ نوشته چیماماندا انگری آدیچی

این رمان روایتگر تجربه زنی نیجریه‌ای به نام ایفملو است که به آمریکا مهاجرت می‌کند. ایفملو درحالی‌که با چالش‌های فرهنگی، نژادی و هویتی در آمریکا روبه‌رو می‌شود، هم‌زمان با هویت نیجریه‌ای خود نیز در کشمکش است. او در طول روایت خود را به‌عنوان مهاجر آفریقایی در آمریکا بازتعریف می‌کند و هنگام بازگشت به نیجریه دچار بحران هویت می‌شود. این اثر نمونه‌ای روشن از چندگانگی هویتی است که فراتر از مرزهای ملی شکل می‌گیرد و شخصیت اصلی یک هویت ثابت ندارد، بلکه در تعامل با فرهنگ‌های مختلف، هویتی چندلایه پیدا می‌کند.

۲. اشعار محمود درویش مجموعه «حالت محاصره»^۲ محمود درویش شاعر فلسطینی در شعرهایش همواره میان هویت فلسطینی، عربی و جهانی در نوسان است.

۱. رمان «Americanah» در سال ۲۰۱۳ توسط نویسنده نیجریه‌ای چیماماندا انگری آدیچی منتشر شده است. داستان درباره دختری به نام ایفملو است که نیجریه را ترک کرده و در دانشگاه پرینستون تحصیل می‌کند. او با چالش‌های هویتی و نژادی در آمریکا مواجه می‌شود.

۲. مجموعه‌ی «حالة حصار» اثر محمود درویش در ژانویه ۲۰۰۲ در رام‌الله سروده شده و تجربه‌های زندگی در شرایط محاصره را به تصویر می‌کشد.

او در عین حال که بر ریشه‌های فلسطینی خود تأکید دارد خود را صرفاً در چهارچوب یکملت تعریف نمی‌کند بلکه به هویتی فراتر از ملیت و مرزهای جغرافیایی می‌رسد. «فلسطین» در شعرهای او نه یک مکان جغرافیایی ثابت بلکه مفهومی سیال است که می‌تواند در هر جای جهان معنا پیدا کند. این نوع نگاه هویت را پدیده‌ای پویا، چندوجهی و فراتر از تعاریف ملی‌گرایانه می‌بیند.

ب. جهانی‌شدن و تعاملات فرهنگی و حرکت فرازمانی و فرامکانی:

پساملی‌گرایی در ادبیات تطبیقی به تحلیل چگونگی بازتاب جهانی‌شدن در متون ادبی می‌پردازد، جایی که مرزهای ملی دیگر مانعی برای ارتباطات و تعاملات فرهنگی نمی‌شوند. پساملی‌گرایی در شرح نحوه انتقال مفاهیم و ویژگی‌های فرهنگی بین فرهنگ‌های مختلف از طریق ادبیات اهمیت دارد. رمان *بِر سفید*^۱ نوشته آراویند آدیگا در این زمینه نمونه مناسبی است. آدیگا در این رمان داستان زندگی یک راننده فقیر در هند را روایت می‌کند که با مهاجرت به چین و تأسیس کسب‌وکارش از فرآیند جهانی‌شدن و تأثیر آن بر طبقات اجتماعی و فرهنگی در هند و چین می‌گوید. این رمان تعاملات فرهنگی میان کشورهای مختلف و چالش‌های فرهنگی ناشی از جهانی‌شدن را نمایش می‌دهد.

آثار مولانا بویژه *مثنوی معنوی* در آمریکا و کشورهای مدرن پرفروش است که دلایل متعدد آن از دیدگاه پساملی‌گرایی قابل تحلیل است. در این جا چند دلیل مهم را مطرح می‌کنیم:

۱. جهانی‌شدن و فراسوی مرزهای ملی: آثار مولانا بویژه در کشورهای توسعه‌یافته به‌عنوان نمادهایی از تفکر جهانی و انسانی در نظر گرفته می‌شوند. پساملی‌گرایی به‌طور ویژه به دنبال شکست مرزهای ملی و فرهنگی است و آثار مولانا با پیام‌های جهانی خود در مورد عشق، انسانیت و روحانیت به‌آسانی به‌عنوان متونی فراتر از هویت‌های ملی و فرهنگی مورد استقبال قرار می‌گیرد.

۲. ارتباطات فرهنگی و تبادل بین فرهنگی: جهانی‌شدن و تحولات فرهنگی موجب شده است که مردم کشورهای پیشرفته به جستجوی معنای عمیق‌تر و مفهومی در ادبیات برآیند که بتواند به‌طور جهانی با انسان‌ها ارتباط برقرار کند. مولانا با توجه به دیدگاه‌های عرفانی و فلسفی‌اش بویژه در مورد روابط انسان‌ها با یکدیگر و با خدا و هستی موضوعاتی را مطرح می‌کند که فراتر از مرزهای ملی و فرهنگی هستند و برای افراد با فرهنگ‌های مختلف جذابیت دارند. ۳. علاقه به مفاهیم معنوی و روحانی: در دنیای مدرن که اغلب با بحران‌های روحی و هویتی مواجه است بسیاری از مردم در جستجوی مفاهیم معنوی هستند که به زندگی معنای جدیدی ببخشند.

۱. رمان «The White Tiger» در سال ۲۰۰۸ توسط نویسنده هندی، آراویند آدیگا منتشر شد. این اثر برنده جایزه بوکر در همان سال شد و داستان زندگی بالرام هالوای یک راننده تاکسی در هند را روایت می‌کند که از طبقه پایین جامعه به موفقیت‌های بزرگ دست می‌یابد.

مولانا با زبان شعری خود، مفاهیم عمیق روحانی و عرفانی را بیان می‌کند که برای مخاطبان در کشورهای پیشرفته جذاب است بویژه برای کسانی که به دنبال پاسخ‌های معنوی و فلسفی به زندگی هستند.

۴. توجه به هویت‌های چندگانه: آثار مولانا با تنوع فرهنگی و دینی با ایده‌های پساملی‌گرایی هماهنگ است. این آثار از هویت‌های مختلف و تضادهای فرهنگی که از ویژگی‌های پست‌مدرنیسم نیز هست استقبال می‌کنند^۱ و به‌طور طبیعی به مفهوم هویت‌های چندگانه و تنوع در یک جامعه جهانی پاسخ می‌دهند.

۵. بازگشت به سنت‌های شرقی در دنیای غرب: غرب در سال‌های اخیر در زمینه‌های فرهنگی در پی بازگشت به سنت‌های شرقی بوده است. علاقه به آثار مولانا در محافل فرهنگی و آکادمیک نمایانگر علاقه غرب به ادبیات و فلسفه‌های شرقی و همچنین جست‌وجوی چشم‌اندازهای جدید در مواجهه با مسائل اجتماعی و روحانی است. در نتیجه پرورش‌بودن آثار مولانا در کشورهای پیشرفته می‌تواند به‌روشنی با مفاهیم پساملی‌گرایی، جهانی‌شدن، هویت‌های چندگانه و تعاملات فرهنگی در دنیای امروز تبیین شود.

جهانی‌شدن، هویت‌های چندگانه و تعاملات فرهنگی در دنیای امروز تبیین شود. این آثار به‌عنوان ابزارهایی برای تعامل با پیچیدگی‌های فرهنگی و معنوی جهان مدرن مورد استقبال قرار می‌گیرند. این توجه به آثار مولانا موجب شده است که نویسندگان معاصر، مانند الیف شافاک در رمان ملت عشق آثار مدرن خود را به‌صورت اقتباسی از این متون پدید آورند. این امر نشان می‌دهد که گفت‌وگوی تمدن‌ها محدود به یک زمان خاص نیست و تمدن‌های شرقی گذشته با تمدن‌های غربی معاصر در گفت‌وگوی^۱ مداوم قرار دارند. این‌گونه آثار در دنیای مدرن به‌عنوان منبع الهام و نیروی تأثیرگذار در شکل‌گیری مفاهیم و روایت‌های معاصر عمل کرده و ارتباط میان فرهنگ‌ها و تمدن‌ها را در بستر زمانی و جغرافیایی گسترده‌ای تسهیل می‌کنند.

۱. هویت‌های مختلف و تضادهای فرهنگی از ویژگی‌های مهم پست‌مدرنیسم هستند. در این چارچوب، هویت به هیچ وجه یک امر ثابت و غیرقابل تغییر تلقی نمی‌شود بلکه آن را پدیده‌ای متغیر، موقتی و ساخته‌شده می‌دانند. برخلاف دیدگاه‌های سنتی که هویت را غالباً در مرزهای ملی یا فرهنگی محدود می‌دیدند، پست‌مدرنیسم به این باور می‌پردازد که هویت در پی تعاملات فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه در دوران جهانی‌شدن، دائماً در حال تغییر و بازتعریف است. تضادهای فرهنگی در پست‌مدرنیسم : پست‌مدرنیسم به‌ویژه با به چالش کشیدن فرهنگ‌های غالب و درک‌های واحد از حقیقت و واقعیت به تضادهای فرهنگی توجه زیادی داشته است .

تضادهای فرهنگی می‌توانند شامل موارد زیر باشند: ۱. تضادهای هویتی: هویت‌ها در دنیای پست‌مدرن متکثر و متناقض‌اند. یک فرد می‌تواند در یک زمان چندین هویت مختلف داشته باشد، مثلاً هویت ملی، جنسیتی، دینی و اجتماعی که ممکن است در تضاد با یکدیگر قرار گیرند. ۲. تضادهای فرهنگی بین شرق و غرب: از آن‌جا که پست‌مدرنیسم تأکید زیادی بر بازنگری مرزهای فرهنگی و ملی دارد تضادهای فرهنگی بین جوامع شرقی و غربی به‌ویژه در دوران جهانی‌شدن به‌طور فزاینده‌ای مشهود شده است. این تضادها می‌تواند شامل تفاوت‌های ارزشی، سیاسی و اجتماعی باشد. ۳. تضادهای اجتماعی و طبقاتی: پست‌مدرنیسم نیز تضادهای اجتماعی و طبقاتی را به چالش کشیده و بر لزوم بازاندیشی در مفاهیم قدرت، سلطه و هویت اجتماعی تأکید می‌کند .

ج. نقد نظریه‌های ملی‌گرایانه در ادبیات تطبیقی:

پساملی‌گرایی در مقابل دیدگاه‌های ملی‌گرایانه قرار می‌گیرد که متون ادبی را بر اساس مرزهای جغرافیایی و ملی تحلیل می‌کنند. این رویکرد در ادبیات تطبیقی به تحلیل متون فراتر از مرزهای ملی توجه دارد و به دنبال یافتن الگوهای جهانی در آثار ادبی مختلف است. علاوه بر رمان‌های گفته شده دو نمونه دیگر از ادبیات معاصر که دربرگیرنده نقد نظریه‌های ملی‌گرایانه هستند و تمرکز آن‌ها فراتر از مرزهای ملی است معرفی می‌شود:

۱. رمان خدای چیزهای کوچک^۲ نوشته «آرونداتی روی» داستان زندگی دو دوقلو در هند را روایت می‌کند و در آن مرزهای جغرافیایی و ملی به چالش کشیده می‌شوند. این رمان که در محیط اجتماعی پیچیده‌ای در هند جریان دارد از نگاه و تحلیل‌های ملی‌گرایانه فراتر رفته و تعاملات فرهنگی و تاریخی هند را در قالب جهانی بررسی می‌کند.

۲. رمان صد سال تنهایی^۳ نوشته «گابریل گارسیا مارکز» رمانی کلاسیک از ادبیات لاتین آمریکا، نقدی است بر دیدگاه‌های ملی‌گرایانه و مرزهای جغرافیایی. مارکز با خلق داستانی که در مکانی خیالی به نام ماکاندو رخ می‌دهد به جای تمرکز بر جغرافیا و ملیت‌های خاص به بررسی الگوهای جهانی و روابط اجتماعی میان افراد می‌پردازد که جهانی‌شدن و تأثیرات آن در روایت نمود پیدا می‌کند. در این رمان نمود جهانی‌شدن و تأثیرات آن در روایت از چند جنبه دیده می‌شود:

۱. ماکاندو به عنوان یک جهان کوچک: ماکاندو هرچند یک مکان خیالی است اما تحولات آن شباهت زیادی به تغییرات تاریخی و اجتماعی کشورهای مختلف دارد. از انزوا و استقلال اولیه تا ورود استعمار، شرکت‌های خارجی و در نهایت سقوط و فروپاشی. این سیر نشان‌دهنده جهانی‌شدن در ابعاد تاریخی و اقتصادی است.

۲. نفوذ خارجی‌ها و سرمایه‌داری: ورود شرکت موز به ماکاندو و تأثیرات آن استعاره‌ای از جهانی‌شدن اقتصادی است. این شرکت با استثمار نیروی کار محلی، تغییر فرهنگ و سرکوب کارگران، اثرات استعمار اقتصادی را بازتاب می‌دهد.

۳. حلقه‌های تکرارشونده تاریخ: روایت غیرخطی و چرخه‌ای رمان نشان می‌دهد که تاریخ فارغ از مرزهای جغرافیایی، در جوامع مختلف با الگوهای مشابهی تکرار می‌شود.

1- Dialogue

۲. عنوان اصلی این رمان «The God of Small Things» است که در سال ۱۹۹۷ توسط نویسنده هندی، آرونداتی روی، منتشر شده است. این کتاب برنده جایزه بوکر در همان سال شد و داستان زندگی یک خانواده ثروتمند هندی را روایت می‌کند که در یک روز سرنوشت‌ساز در سال ۱۹۶۹ برای همیشه تغییر می‌کند. شخصیت‌های اصلی، استا و راحل، دوقلوهای هفت‌ساله‌ای هستند که زندگی‌شان آشفته می‌شود.

۳. رمان «One Hundred Years of Solitude» در سال ۱۹۶۷ توسط نویسنده کلمبیایی، گابریل گارسیا مارکز، منتشر شد. این کتاب که به فارسی «صد سال تنهایی» ترجمه شده است داستان چندین نسل از خانواده بوئندیا را در شهر خیالی ماکوندو روایت می‌کند و به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های سبک رئالیسم جادویی شناخته می‌شود.

درگیری‌های سیاسی، تحولات اقتصادی و استحاله فرهنگی از مختصات یک ملت فراتر می‌رود و مفهومی جهانی پیدامی‌کند.

۴. ترکیب اسطوره و واقعیت: سبک رئالیسم جادویی^۱ باعث می‌شود که وقایع محلی ماکاندو حالتی اسطوره‌ای پیداکنند و مرز میان واقعیت‌های تاریخی و افسانه‌ها کمرنگ شود. این امر روایت را از سطح ملی‌گرایانه فراتر برده و به تجربه مشترک انسانی تبدیل می‌کند. در مجموع مارکز با روایت تاریخ ماکاندو داستانی می‌آفریند که در عین خاص بودن، بازتابی از تحولات جهانی و تأثیرات گسترده استعمار، سرمایه‌داری و تغییرات فرهنگی است.

د. پویایی فرهنگ‌ها و متون ادبی:

پساملی‌گرایی در ادبیات تطبیقی پویایی و تغییرات فرهنگی و هویتی را در نظر می‌گیرد. این رویکرد در تحلیل آثار ادبی معاصر که ویژگی‌های جهانی‌شده دارند به بررسی چگونگی تأثیر و تأثر فرهنگ‌ها بر یکدیگر از طریق متون ادبی می‌پردازد. برای این بحث دو نمونه مناسب از ادبیات را ذکر می‌شود:

۱. رمان به خانه بیا^۲

این رمان سرگذشت دو خواهر را روایت می‌کند که یکی در آفریقا مانده و دیگری برای بردگی در آمریکا فروخته می‌شود. داستان در نسل‌های بعدی ادامه می‌یابد و نشان می‌دهد که چگونه فرهنگ‌ها در تعامل با یکدیگر دچار تغییر و تحول می‌شوند. هر فصل از رمان به زندگی یکی از نسل‌های بعدی این دو خواهر می‌پردازد و تأثیرات عمیق برده‌داری و استعمار را بر خانواده‌های آن‌ها در طول سه قرن روایت می‌کند. این اثر نمونه‌ای از پویایی هویت فرهنگی و تأثیر متقابل فرهنگ‌ها از طریق تجربه‌های تاریخی مشترک است.

۲. رمان خروجی غرب^۳

این اثر داستان یک زوج مهاجر را روایت می‌کند که از طریق دره‌ای جادویی به کشورهای مختلف سفر می‌کنند. آن‌ها در طول سفر با فرهنگ‌های مختلف تعامل دارند و هویت آن‌ها دستخوش تغییر می‌شود. این رمان به‌طور نمادین پویایی فرهنگ‌ها را در عصر جهانی‌شدن به تصویر می‌کشد.

1-Magical Realism

۲. رمان «Homegoing» در سال ۲۰۱۶ توسط نویسنده غنایی-آمریکایی، یا جسی (Yaa Gyasi) منتشر شده است. این کتاب در ایران با نام‌های دیگر بازگشت به خانه و خانه‌روان نیز ترجمه شده است.

۳. رمان Exit West نوشته محسن حمید در ایران با نام‌های مختلفی ترجمه شده است از جمله خروجی غربی، خروجی غرب، فرار به غرب و مهاجرت به غرب.

۲-۲. تاریخچه و تکامل پساملی‌گرایی

پساملی‌گرایی به‌عنوان یک رویکرد نظری، فکری و انتقادی در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم در واکنش به تحولات جهانی‌شدن، مهاجرت‌های گسترده، فروپاشی مرزهای سنتی ملی و بحران هویت‌های ملی شکل‌گرفت. این مفهوم ابتدا در حوزه علوم سیاسی و جامعه‌شناسی مطرح شد و سپس به مطالعات فرهنگی و ادبیات تطبیقی راه یافت. نظریه‌پردازانی چون آرژون آپادورای^۱ و اولریش بک^۲ مبانی اولیه پساملی‌گرایی را با تأکید بر ظهور هویت‌های سیال و چندگانه تبیین کردند. در همین راستا این رویکرد با فراتر رفتن از چارچوب‌های پسااستعماری به مطالعه جهانی‌شدن فرهنگی و ادبی پرداخته است.

کتاب مدرنیته در مقیاس بزرگ: ابعاد فرهنگی جهانی‌شدن^۳ یکی از متون تأثیرگذار در مطالعات جهانی‌شدن و فرهنگ است. این کتاب به بررسی چگونگی شکل‌گیری و تغییر هویت‌های فرهنگی در دنیای معاصر می‌پردازد و نشان می‌دهد که جهانی‌شدن علاوه بر اقتصاد و سیاست، از طریق رسانه‌ها، مهاجرت و جریان‌های فرهنگی نیز اتفاق می‌افتد. آپادورای (۱۹۹۶: ۳۳) در این کتاب مفهوم منظر^۴ یا نما (scape) را معرفی می‌کند که شامل پنج بُعد اصلی جهانی‌شدن است:

۱. چشم‌انداز قومی^۵: جابه‌جایی مردم، مهاجرت و تغییرات جمعیتی که بر هویت‌های فرهنگی تأثیر می‌گذارند.

۲. چشم‌انداز رسانه‌ای^۶: تأثیر رسانه‌های جهانی در تولید و پخش تصاویر و روایت‌ها.

۳. چشم‌انداز فناوری^۷: گسترش فناوری‌ها و تأثیر آن‌ها بر ارتباطات و فرهنگ.

۴. چشم‌انداز مالی یا سرمایه‌ای^۸: جریان‌های مالی و تأثیر آن‌ها بر اقتصاد جهانی.

۵. چشم‌انداز ایدئولوژیک^۹: انتشار اندیشه‌ها و گفتمان‌های سیاسی در سطح جهانی.

او معتقد است که این پنج جریان به‌طور هم‌زمان و پیچیده با یکدیگر تعامل دارند و باعث تغییرات فرهنگی در سراسر جهان می‌شوند.

۱. آرژون آپادورای (Arjun Appadurai) انسان‌شناس و جامعه‌شناس هندی است که در سال ۱۹۶۹ در بمبئی متولد شد و مطالعاتش بر مدرنیته و جهانی‌شدن متمرکز است.

۲. اولریش بک (Ulrich Beck) جامعه‌شناس آلمانی (۱۹۴۴-۲۰۱۵) به‌خاطر پژوهش‌هایش درباره جهانی‌شدن، خطرات مدرن و هویت‌های سیال شناخته می‌شود.

3. *Modernity at Large: Cultural Dimensions of Globalization*

۴. آپادورای واژه *scape* را به‌عنوان یک پسوند مفهومی به‌کار می‌برد تا نشان دهد که جهانی‌شدن از طریق جریان‌های متعددی در حال شکل‌گیری است. این اصطلاح از واژه *landscape* (چشم‌انداز) الهام گرفته شده و نشان می‌دهد که هر یک از این حوزه‌ها، نوعی چشم‌انداز پویا و متغیر هستند که از طریق جریان‌های بین‌المللی شکل می‌گیرند. او تأکید می‌کند که این فرآیندها ایستا و یکپارچه نیستند بلکه چندلایه، متحرک و وابسته به دیدگاه‌ها و تجربیات افراد و جوامع مختلف‌اند و هر گروه اجتماعی یا ملی ممکن است این جریان‌ها را از زاویه خاص خود درک کنند و همین مسأله باعث تنوع در تأثیرات جهانی‌شدن بر فرهنگ‌ها و هویت‌ها می‌شود (آپادورای ۱۹۹۶: ۳۳).

5. Ethnoscapes

6. Mediascapes

7. Technoscapes

8. Financescapes

9. Ideoscapes

آپادورای به نقش تخیل^۱ در شکل‌دهی به هویت‌های فرهنگی جدید اشاره می‌کند و معتقد است که در عصر جهانی‌شدن، مردم از طریق رسانه‌ها و مهاجرت، خود را در فضاهای فرهنگی متنوع و فراتر از مرزهای ملی تصور می‌کنند.

این کتاب تأثیر زیادی بر مطالعات فرهنگی، پسا ملی‌گرایی و نظریه‌های ادبی داشته و در زمینه تحلیل هویت‌های مهاجرتی و دیاسپورا اهمیت دارد.

کتاب دیگر چشم‌انداز جهان‌وطنی^۲ نوشته اولریش^۳ یک یکی از آثار مهم در زمینه تحلیل جامعه‌شناسی جهانی‌شدن و پدیدارهای پسا ملی‌گرایی است. یک در این اثر به بررسی تحولات و چالش‌های ناشی از جهانی‌شدن در دنیای معاصر می‌پردازد و مفهوم چشم‌انداز جهان‌وطنی را معرفی می‌کند.

یک در این کتاب بر این مسأله تأکید دارد که جهانی‌شدن دیگر به معنای ارتباطات میان ملت‌ها یا کشورها نیست بلکه به‌طور عمده به ایجاد یک فضای جهانی مشترک و تعاملات فراملی اشاره دارد. او از این‌که افراد به‌طور فزاینده‌ای درگیر مسائل جهانی می‌شوند، در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، محیط‌زیستی و سیاسی صحبت می‌کند. این روند باعث می‌شود که مرزهای ملی و هویتی که پیش‌تر غالب بودند دیگر قادر به توضیح پویایی‌های جدید و روابط پیچیده جهانی نباشند.

«چشم‌انداز جهان‌وطنی» از نظر یک به معنای یک دیدگاه جهانی است که همگان را دعوت می‌کند به زندگی در یک جامعه جهانی که در آن مرزهای سنتی و هویت‌های ملی اهمیت کمتری دارند. یک از اصطلاح «خطرات جهانی» صحبت می‌کند که نیاز به همکاری و نگرش جهانی دارد، مثل تهدیدات زیست‌محیطی، تهدیدات هسته‌ای و بحران‌های اقتصادی.

در نهایت هدف یک این است که جامعه‌شناسی جهانی‌شدن و همبستگی جهانی را از منظر مفهومی و عملی مورد بررسی قرار دهد و به‌جای تمرکز بر تقسیم‌بندی‌های ملی به یک جامعه جهانی فراگیر توجه داشته باشد. این اثر همچنین به‌عنوان مبنای فکری برای پژوهش‌های بیشتر در زمینه جهانی‌شدن، فرهنگ‌های متقابل و تأثیرات جهانی‌شدن بر هویت‌های ملی و فرهنگی در نظر گرفته می‌شود.

او در بخش دوم کتاب (یک، ۲۰۰۶: ۱۳۰) به چالش‌های سیاسی، اجتماعی و نظری که فرایند جهانی‌شدن با آن‌ها روبه‌رو است و بررسی رابطه میان جهانی‌شدن و ضد جهانی‌گرایی^۴ می‌پردازد.

همچنین مفهوم «جنگ پساناسیونالیستی»^۵ را مطرح می‌کند که در آن جنگ‌های مدرن نه بر اساس مرزهای ملی که بر اساس تهدیدهای فرهنگی و جهانی تعریف می‌شوند.

1. Imagination

2. The Cosmopolitan Vision

3. Ulrich Beck

4. Anti-cosmopolitanization

5. Postnational War

بک (همان: ۴۰) با ترکیب جامعه‌شناسی، سیاست و فلسفه رویکردی جدید به مطالعه جهانی‌شدن ارائه داده است و با طرح مفهوم «جهانی‌شدن روزمره»^۱ نشان می‌دهد که چگونه زندگی روزمره افراد به صورت ناآگاهانه جهانی شده است.

این کتاب دارای مجموعه‌ای از اصطلاحات و مفاهیم است که برای مطالعات ادبیات تطبیقی نیز کاربردی هستند. برخی از این اصطلاحات که می‌توانند در تحلیل متون ادبی و مطالعات بینافرهنگی مورد استفاده قرار گیرند، عبارت‌اند از:

۱. جهان‌وطنی واقع‌گرایانه^۲: این مفهوم به شیوه‌ای از نگرش جهانی اشاره دارد که بر اساس ایده‌آل‌های مطلق نیست بلکه با درک واقعیت‌های پیچیده تفاوت‌های فرهنگی، اجتماعی و ملی تعریف می‌شود. این مفهوم در ادبیات تطبیقی می‌تواند به تحلیل تعامل‌های بین‌ممتنی و درک تفاوت‌های فرهنگی در آثار جهانی کمک کند.

۲. جهان‌وطنی پنهان^۳: این اصطلاح به فرایندهایی اشاره دارد که در آن جوامع و فرهنگ‌ها، بدون آگاهی کامل به تدریج، ویژگی‌های جهان‌وطنی را جذب می‌کنند. در مطالعات ادبی می‌توان از این مفهوم برای بررسی آثار نویسندگانی استفاده کرد که به طور ناآگاهانه و مستتر تحت تأثیر جهانی‌شدن فرهنگی قرار گرفته‌اند.

۳. جهان‌وطنی روزمره و پیش‌پاافتاده: این مفهوم به شیوه‌هایی اشاره دارد که در آن عناصر فرهنگ‌های مختلف بدون درگیری مستقیم یا خودآگاهی روشن در زندگی روزمره مردم ادغام می‌شوند. این ایده می‌تواند در بررسی نحوه بازگامی هویت‌های جهانی و محلی در ادبیات تطبیقی مفید باشد.

۴. جهان‌وطنی بحرانی و مخاطره‌آمیز^۴: این مفهوم به این نکته اشاره دارد که تهدیدهای جهانی (مانند تغییرات اقلیمی، جنگ و تروریسم) باعث ایجاد نوعی همبستگی و آگاهی جهانی می‌شوند. در ادبیات تطبیقی این موضوع را می‌توان در تحلیل روایت‌های ادبی‌ای که به بحران‌های جهانی و همبستگی انسانی می‌پردازند به کار برد.

۵. تفاوت تاریخی‌شده^۵: این اصطلاح اشاره به شیوه‌ای دارد که در آن تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی به عنوان یک پدیده تاریخی و متغیر بررسی می‌شوند، نه ثابت و ذاتی. این ایده می‌تواند در تحلیل‌های تطبیقی مربوط به بازگامی فرهنگ‌های مختلف در متون ادبی کاربردی باشد.

1. Banal Cosmopolitanism

2. Realistic Cosmopolitanism

3. Latent Cosmopolitanization

4. Risk-Cosmopolitanism

5. Historicization of Differencer

۶. چندفرهنگ‌گرایی و نقد آن^۱: کتاب به تحلیل و نقد ایده چندفرهنگ‌گرایی می‌پردازد و آن را در برابر جهان‌وطنی قرار می‌دهد. این بحث می‌تواند در نقد و بررسی نحوه تعامل فرهنگ‌ها در متون ادبی از جمله رمان‌های پسااستعماری سودمند باشد.

۷. جهان‌وطنی فرودست^۲: این مفهوم به شکلی از جهان‌وطنی اشاره دارد که توسط گروه‌های به حاشیه رانده شده یا بدون قدرت سیاسی شکل می‌گیرد. این ایده در ادبیات تطبیقی می‌تواند به تحلیل روایت‌های مربوط به مهاجرت، تبعید و مقاومت فرهنگی کمک کند.

۸. ضدجهان‌وطنی^۳: این اصطلاح به جنبش‌ها یا گفتمان‌هایی اشاره دارد که با ایده‌های جهان‌وطنی مخالفت می‌کنند. بررسی این مفهوم در ادبیات تطبیقی می‌تواند به درک بهتر از روایت‌های ملی‌گرایانه و واکنش‌های فرهنگی در برابر جهانی‌شدن کمک کند.

۹. نئوناسیونالیسم بین‌المللی^۴: این مفهوم به نوعی از ملی‌گرایی اشاره دارد که در تعامل با فرآیندهای جهانی‌شدن شکل گرفته است. این موضوع می‌تواند در بررسی نحوه بازنگایی ملی‌گرایی در ادبیات مدرن و پسااستعماری سودمند باشد.

پژوهشگران با رشد جهانی‌شدن و افزایش تعاملات بین‌فرهنگی دریافتند که هویت‌های فرهنگی و ادبی دیگر به مرزهای ملی محدود نیستند. در نتیجه ادبیات تطبیقی از تحلیل‌های صرفاً ملی‌محور فاصله گرفت و بر پویایی هویت‌ها، تأثیرات متقابل فرهنگ‌ها و بازنگایی هویت‌های چندگانه تمرکز کرد. در این میان، مطالعاتی که به ادبیات مهاجرت، دیاسپورا و تعاملات بین‌فرهنگی پرداخته‌اند نقشی کلیدی در تکامل این رویکرد داشته و افق‌های جدیدی برای تحلیل متون ادبی و بازتعریف هویت‌های ادبی در دنیای امروز گشوده‌اند.

۳-۲. تفاوت‌های پساملی‌گرایی با نظریه‌های ملی‌گرایانه و جهانی‌شده در ادبیات

پساملی‌گرایی در ادبیات تطبیقی رویکردی میانجی میان نظریه‌های ملی‌گرایانه و جهانی‌شده محسوب می‌شود. برخلاف نظریه‌های ملی‌گرایانه که متون ادبی را در چهارچوب‌های جغرافیایی و هویتی ثابت تحلیل می‌کنند، پساملی‌گرایی بر سیالیت هویت‌ها و تعاملات بین‌فرهنگی تأکید دارد. در این رویکرد، ادبیات نه به عنوان بازتاب یک ملت خاص، بلکه به مثابه فضایی برای تلاقی فرهنگ‌ها بررسی می‌شود. از سوی دیگر پساملی‌گرایی در برابر نظریه‌های جهانی‌شده نیز متمایز است.

1. Critique of Multiculturalism

2. Cosmopolitanism from Below

3. Anti-Cosmopolitanism

4. Neo-Nationalism of the International

جهانی‌شدن بر یکپارچگی فرهنگی و حذف مرزهای ملی تمرکز می‌کند، درحالی‌که پساملی‌گرایی به بازتولید و بازتعریف هویت‌ها درون شبکه‌ای از تعاملات بین‌فرهنگی توجه دارد. این رویکرد ضمن پذیرش تأثیرات جهانی‌شدن بر پویایی تفاوت‌های فرهنگی و چندگانگی هویتی در ادبیات تأکید می‌کند. به‌طور خلاصه پساملی‌گرایی برخلاف نظریه‌های ملی‌گرایانه دیدگاهی بسته و محدود به مرزهای ملی ندارد و از یکسان‌سازی فرهنگی فاصله می‌گیرد و ادبیات را به‌عنوان بستری برای تنوع، تغییر و ارتباطات فراملی در نظر می‌گیرد.

۴-۲. تفاوت‌های پساملی‌گرایی با فراملی‌گرایی

تفاوت پساملی‌گرایی و فراملی‌گرایی در چهارچوب‌های نظری و مفهومی آن‌ها نهفته است:

۱. فراملی‌گرایی بر روابط و تعاملات میان ملت‌ها تمرکز دارد. این مفهوم نشان‌دهنده جریان‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی‌ای است که مرزهای ملی را پشت سر می‌گذارند، اما همچنان ملت‌ها و دولت‌ها را به‌عنوان بازیگران مهم حفظ می‌کند. در ادبیات تطبیقی، فراملی‌گرایی به مطالعه حرکت متون، نویسندگان و مفاهیم ادبی در بسترهای چندملیتی و میان‌فرهنگی می‌پردازد. به‌عنوان مثال، ادبیات دیاسپورا و مهاجرت در این چهارچوب تحلیل می‌شود.

۲. پساملی‌گرایی از مرحله‌ی فراملی‌گرایی فراتر می‌رود و مفهوم ملت را به چالش می‌کشد و آن را به‌عنوان یک هویت ثابت رد می‌کند. این رویکرد بر این باور است که ملت‌ها در دنیای امروز دیگر چهارچوب‌های اصلی هویت‌بخشی نیستند و هویت‌ها در فضاهای سیال، شبکه‌ای و جهانی شکل می‌گیرند. پساملی‌گرایی در ادبیات تطبیقی به بازتعریف هویت‌های ادبی، نقش زبان‌های چندگانه در تولید ادبیات و تحلیل آثاری می‌پردازد که در آن‌ها مرزهای جغرافیایی و فرهنگی بی‌معنا یا کم‌رنگ شده‌اند.

۳. فراملی‌گرایی همچنان به دولت - ملت‌ها به‌عنوان نقاط مرجع توجه دارد، حتی اگر مرزها را درنوردد.

۴. پساملی‌گرایی به حذف یا کم‌رنگ شدن نقش دولت - ملت در شکل‌گیری هویت‌های فرهنگی و ادبی اشاره دارد. بنابراین اگر در پژوهش‌های فارسی بیشتر به فراملی‌گرایی پرداخته شده، احتمالاً تمرکز آن‌ها بر ارتباطات میان‌فرهنگی و جابجایی‌های ادبی بوده است؛ اما پساملی‌گرایی یک گام جلوتر رفته و خود مفهوم «ملت» را زیر سؤال می‌برد که در ادبیات تطبیقی می‌تواند افق‌های جدیدی را بگشاید.

۵-۲. پساملی‌گرایی در مقایسه متون ادبی از فرهنگ‌های مختلف

پساملی‌گرایی در مقایسه متون ادبی از فرهنگ‌های مختلف، به جای تأکید بر مرزهای ملی و تمایزات فرهنگی به جریان‌های فراملی و تعاملات بین‌فرهنگی توجه دارد.

در این رویکرد، متون ادبی نه به‌عنوان بازتابی از یک هویت ملی مشخص بلکه به‌مثابه فضایی برای پیوند فرهنگ‌ها و تجربه‌های مشترک انسانی تحلیل می‌شوند. این رهیافت به پژوهشگران ادبیات تطبیقی امکان می‌دهد تا آثار نویسندگان از کشورهای مختلف را بر اساس مفاهیمی چون مهاجرت، دیاسپورا، چندگانگی زبانی و روایت‌های چندصدایی مقایسه کنند. برای مثال رمان‌های مهاجرتی مانند آمریکانا و همنام از جومپا لاهیری^۱ با وجود تعلق به بسترهای فرهنگی متفاوت می‌توانند از منظر تجربه جابه‌جایی، هویت‌های ترکیبی و چالش‌های فرهنگی در کنار هم بررسی شوند.

۶-۲. تأثیر پساملی‌گرایی بر روابط بینا فرهنگی و تعاملات فرهنگی

پساملی‌گرایی با تأکید بر فراملی‌گرایی و سیالیت هویت‌ها نقش مهمی در درک روابط بینا فرهنگی و تعاملات فرهنگی ایفا می‌کند. این رویکرد نشان می‌دهد که فرهنگ‌ها ایستا و منزوی نیستند بلکه در فرآیند مداوم تأثیر و تأثر با یکدیگر قرار دارند. همچنین این دیدگاه کمک می‌کند تا مفاهیم جدیدی از هویت و تعلق در بسترهای متنوع فرهنگی شکل گیرد و فهم عمیق‌تری از پویایی فرهنگی در ادبیات جهانی فراهم شود.

۷-۲. پساملی‌گرایی و تحلیل هویت‌های فرهنگی و ملی

پساملی‌گرایی هویت‌های فردی و جمعی را تحت تأثیر فرایندهای جهانی‌شدن و تعاملات بین فرهنگی قرار می‌دهد. از این منظر تحلیل‌های پساملی‌گرایانه به بررسی پیچیدگی‌های هویتی در دنیای مدرن پرداخته و توجه خود را معطوف به هویت‌های چندگانه، متناقض و هم‌زمان می‌کند که از تعاملات و ارتباطات فرهنگی مختلف شکل می‌گیرند.

۸-۲. کاربردهای پساملی‌گرایی در پژوهش‌های بینا فرهنگی

در این رویکرد هویت‌های فردی و جمعی نتیجه تعاملات بینا فرهنگی و فرایندهای جهانی‌شدن هستند که در بسترهای مختلف شکل می‌گیرند. این دیدگاه به بررسی پیچیدگی‌های هویتی در دنیای مدرن پرداخته و مفهوم هویت‌های چندگانه، متناقض و هم‌زمان را که از ارتباطات فرهنگی متنوع ناشی می‌شوند، مورد توجه قرار می‌دهد. پساملی‌گرایی در ادبیات تطبیقی ابزار مفهومی مهمی برای بازنگری این هویت‌های پیچیده در آثار ادبی فراهم می‌کند و امکان مطالعه ترجمه، اقتباس، بازخوانی و بینامتنیت میان متون از فرهنگ‌های مختلف را به وجود می‌آورد. همچنین این رویکرد به پژوهشگران اجازه می‌دهد تا فراتر از چهارچوب‌های ملی و بومی به تحلیل پویایی‌های فرهنگی در سطح جهانی بپردازند.

۱. جومپا لاهیری (Jhumpa Lahiri) نویسنده هندی-آمریکایی به مسائلی چون مهاجرت، تعلق و هویت پرداخته است. رمان همنام (The Namesake) روایت زندگی پسری از خانواده‌ای بنگالی در آمریکا است که بین فرهنگ والدینش و جامعه جدید احساس دوگانگی می‌کند. این کتاب تاکنون در ایران دوبار ترجمه شده است.

در همین راستا پژوهش‌های بینا فرهنگی با بهره‌گیری از پساملی‌گرایی می‌توانند نحوه تلاقی و تأثیرگذاری فرهنگ‌ها بر یکدیگر را بررسی کرده و فرآیندهای درهم‌تنیدگی فرهنگی و شکل‌گیری معانی را در بسترهای چندفرهنگی تحلیل کنند.

۹-۲. نقد معایب رویکرد پساملی‌گرایی

چنانکه گفته شد رویکرد پساملی‌گرایی در ادبیات تطبیقی با گسترش مرزهای تحلیل ادبی، امکان مطالعه متون را در چهارچوبی فراملی و بینا فرهنگی فراهم کرده است. با این حال برخی منتقدان معتقدند که پساملی‌گرایی با تأکید بیش از حد بر جهانی‌شدن ممکن است به نادیده گرفتن ویژگی‌های محلی و بومی ادبیات منجر شود. همچنین چالش دیگر این رویکرد خطر همگون‌سازی فرهنگی و کاهش اهمیت مرجعیت تاریخی و اجتماعی متون است. با این وجود حامیان پساملی‌گرایی بر این باورند که این رویکرد به تعاملات فرهنگی توجه دارد و امکان تحلیل پویاتر و جامع‌تری از تحولات هویتی و متنی را در ادبیات تطبیقی فراهم می‌آورد. در کنار نقدهایی که به رویکرد پساملی‌گرایی در ادبیات تطبیقی وارد است باید به تهدیدات دیگری هم اشاره کرد که می‌توانند از سوی این رویکرد به هویت‌های زبانی، فرهنگی و بومی وارد شوند. یکی از این تهدیدات، خطر تهدید زبان‌های اقلیمی و کمتر شناخته شده است. هنگامی که توجه عمده به متون و فرهنگ‌های جهانی معطوف می‌شود، ممکن است زبان‌های بومی و محلی تحت تأثیر قرار بگیرند و در معرض خطر فراموشی یا کاهش ارزش قرار گیرند. علاوه بر این با تأکید بر جهانی‌شدن و بازاندیشی در مرزهای فرهنگی و ملی، امکان دارد فرهنگ‌ها و جوامع خاص در معرض همگون‌سازی فرهنگی قرار گیرند. این همگون‌سازی می‌تواند منجر به از دست دادن اصالت‌های فرهنگی و تنوع‌های محلی شود. درحقیقت رویکرد پساملی‌گرایی گاهی به گونه‌ای ارائه می‌شود که از دیدگاه‌های محلی و خاص چشم‌پوشی می‌کند و به جای شناخت و پذیرش تفاوت‌ها، تمایل دارد به سمت همسان‌سازی و یکنواختی حرکت کند. همچنین پساملی‌گرایی ممکن است به نادیده گرفتن ساختارهای تاریخی و اجتماعی‌ای منتهی شود که بر شکل‌گیری متن‌ها و مفاهیم تأثیر دارند. با اینکه این رویکرد به‌ظاهر به جهانی‌شدن و تعاملات فرهنگی توجه دارد اما ممکن است به عمیق‌تر شدن تحلیل‌های تاریخی و اجتماعی در زمینه‌های خاص فرهنگی و ملی کمک نکند. درمجموع پساملی‌گرایی اگرچه امکان تعاملات فرهنگی گسترده و فراملی را فراهم می‌آورد، اما به‌طور غیرمستقیم ممکن است به تهدیدات فرهنگی، زبانی و هویتی منجر شود که درک و حفظ تنوع‌های بومی و محلی را به چالش می‌کشد.

۱۰-۲. چشم‌اندازهای آینده پژوهش در حوزه پساملی‌گرایی و ادبیات تطبیقی

چشم‌اندازهای آینده پژوهش در حوزه پساملی‌گرایی و ادبیات تطبیقی بر بررسی تأثیرات جهانی‌شدن بر تولید و مصرف ادبیات، شکل‌گیری هویت‌های ترکیبی و نقش فناوری‌های نوین در بازتعریف مرزهای فرهنگی متمرکز خواهد بود.

یکی از مسیرهای مهم پژوهشی، مطالعه ادبیات حاشیه‌ای و نویسندگان فراملی است که به چالش‌های چندگانگی فرهنگی و تجربیات زیسته مهاجرت می‌پردازند. همچنین توجه به ترجمه به عنوان فرآیندی بینافرهنگی که در شکل‌گیری معناهای جدید نقش دارد، زمینه‌ای مهم برای مطالعات آینده خواهد بود.

افزون بر این، تلفیق پساملی‌گرایی با نظریه‌های جدیدی همچون مطالعات اقلیمی، ادبیات دیجیتال و روایت‌های چندلایه‌ای، امکان تحلیل‌های جامع‌تری را در حوزه ادبیات تطبیقی فراهم خواهد کرد.

۳. نتیجه‌گیری

رویکرد پساملی‌گرایی با تمرکز بر پویایی هویت‌ها، تعاملات بینافرهنگی و گذر از مرزهای ملی، چشم‌اندازی نوین در مطالعات ادبی و فرهنگی ارائه می‌دهد. این رویکرد چهارچوب‌های ملی‌محور را در ادبیات تطبیقی به چالش کشیده و امکان تحلیل متون ادبی در بسترهای چندفرهنگی را نیز فراهم کرده است. بررسی آثار مهاجرتی، دیاسپورایی و ترجمه‌ای نشان می‌دهد که ادبیات معاصر دیگر محدود به چهارچوب‌های ثابت ملی نیست بلکه در پیوند با جابه‌جایی‌های فرهنگی و تاریخی معنا می‌یابد.

از این منظر تحلیل پویایی‌های فرهنگی و ادبی از طریق مفاهیمی چون بینامتنیت، جهانی‌شدن و تأثیرپذیری زبانی، مسیرهای تازه‌ای برای مطالعات تطبیقی گشوده است. در این مقاله آثار مختلف پژوهشی و ادبی را به‌طور مختصر تحلیل و معرفی شد و نشان داده شد که چگونه پساملی‌گرایی در ادبیات معاصر تأثیرگذار بوده است. علاوه بر تحلیل‌های نظری به کاربردهای عملی این رویکرد در مطالعات ادبیات تطبیقی پرداخته و چالش‌ها و فرصت‌های آن را بررسی شد.

در ادامه، به معایب و محاسن رویکرد پساملی‌گرایی نیز اشاره شد؛ از جمله اینکه پساملی‌گرایی می‌تواند به همگون‌سازی فرهنگی منجر شود و تهدیداتی برای زبان‌های بومی و هویت‌های محلی به همراه داشته باشد، اما در عین حال فرصتی برای بررسی تعاملات فرهنگی و تحولات هویتی در دوران جهانی‌شدن نیز فراهم آورد.

در پژوهش‌های آینده تمرکز بر ابعاد بینارشته‌ای پساملی‌گرایی اهمیت دارد. مطالعه نقش فناوری‌های دیجیتال در بازتعریف هویت‌های ادبی، بررسی ارتباط این رویکرد با مسائل زیست‌محیطی و تحلیل تأثیر سیاست‌های جهانی بر ادبیات مهاجرت و دیاسپورا از جمله زمینه‌های پژوهشی مهم به شمار می‌روند. همچنین بررسی تعاملات بینامتنی در ادبیات جهانی و تأثیر جهانی‌شدن بر زبان‌های ادبی می‌تواند افق‌های جدیدی را در این حوزه بگشاید. پیشنهاد می‌شود که پژوهش‌های آتی با تمرکز بر متونی از زبان‌ها و سنت‌های ادبی متنوع، درک دقیق‌تری از پویایی‌های فرهنگی و هویتی در جهان معاصر ارائه دهند.

پیشنادهایی برای پژوهش‌های آینده

۱. مطالعه ابعاد بینارشته‌ای پساملی‌گرایی: پژوهش‌های آتی می‌توانند بر ابعاد بینارشته‌ای پساملی‌گرایی تمرکز کنند و ارتباط این رویکرد با سایر حوزه‌های علمی مانند روانشناسی، جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی را بررسی نمایند. بویژه چگونگی تأثیر تعاملات فرهنگی بر هویت‌های فردی و جمعی در دنیای جهانی‌شده و نقش ادبیات در بازتاب این تحولات می‌تواند موضوعاتی مهم برای تحقیق باشد.

۲. نقش فناوری‌های دیجیتال و فضای مجازی: در دنیای کنونی، فناوری‌های دیجیتال و فضای مجازی نقش برجسته‌ای در تغییر و تحول هویت‌های فردی و جمعی ایفا می‌کنند. پژوهش‌های آینده می‌توانند بر تأثیر این فناوری‌ها بر فرآیندهای فرهنگی و بازتعریف هویت‌های ادبی تمرکز کنند. بررسی نحوه بازنمایی هویت‌های پساملی در بستر فضای دیجیتال و آثار ادبی منتشر شده در این فضا می‌تواند پژوهش‌های جدیدی را به وجود آورد.

۳. بررسی ادبیات زیست‌محیطی از منظر پساملی‌گرایی: یکی از زمینه‌های مهم پژوهشی در آینده می‌تواند تحلیل ارتباط پساملی‌گرایی با مسائل زیست‌محیطی باشد. ادبیات زیست‌محیطی، که در دهه‌های اخیر به طور فزاینده‌ای مطرح شده است، می‌تواند در تعامل با پساملی‌گرایی ابعاد جدیدی از هویت و بحران‌های جهانی را بررسی کند. چگونگی تعامل انسان‌ها با محیط‌زیست در بستر جهانی‌شدن و چالش‌های مرتبط با آن می‌تواند موضوع پژوهش‌های آتی باشد.

۴. تحلیل تأثیر سیاست‌های جهانی بر ادبیات مهاجرت: در دنیای امروز، مهاجرت و دیاسپورا به مسائل مهمی تبدیل شده‌اند. پژوهش‌ها می‌توانند به تحلیل تأثیر سیاست‌های جهانی بر ادبیات مهاجرت و دیاسپورا در چهارچوب پساملی‌گرایی بپردازند. بررسی تحولات اجتماعی و سیاسی، از جمله تأثیرات بحران‌های اقتصادی، جنگ‌ها و تغییرات اقلیمی بر ادبیات مهاجران و روایت‌های دیاسپورایی می‌تواند پژوهش‌های ژرفی را در پی داشته باشد.

۵. تحلیل تعاملات بینامتنی و جهانی‌شدن: در زمینه‌های ادبیات تطبیقی، پژوهش‌های آتی می‌توانند به بررسی تعاملات بینامتنی در ادبیات جهانی و چگونگی تأثیر جهانی‌شدن بر زبان‌های ادبی پرداخته و بویژه به تعامل متون و نویسندگان از سنت‌های مختلف توجه کنند. این نوع تحلیل می‌تواند منجر به بازخوانی دوباره متون کلاسیک و معاصر در بستر جهانی‌شدن و تحولات فرهنگی شود.

۶. مطالعه هویت‌های بومی و تهدیدات آن‌ها: یکی از چالش‌های مهم پساملی‌گرایی، تهدیداتی است که برای هویت‌های بومی و زبان‌های محلی به همراه دارد. پژوهش‌های آتی می‌توانند بر تأثیر جهانی‌شدن بر زبان‌ها و فرهنگ‌های بومی متمرکز شوند و به بررسی تهدیدات زبانی و فرهنگی ناشی از همگون‌سازی فرهنگی و رسانه‌های جهانی بپردازند. بررسی نقش ادبیات بومی در حفظ هویت‌های فرهنگی می‌تواند زمینه‌ای مهم برای تحقیق در این راستا باشد.

۷. توسعه مطالعات مهاجرتی و دیاسپورایی در ادبیات پساملی‌گرایی: یکی دیگر از حوزه‌های مهم تحقیقاتی می‌تواند مطالعه و تحلیل بیشتر آثار مهاجرتی و دیاسپورایی در ادبیات باشد.

منابع

- آدیگا، آراویند. (۱۳۹۸). *بیر سفید*. ترجمه مؤده دقیقی. تهران: نیلوفر.
- آدیچی، چیماماندا انگری. (۱۳۹۶). *آمریکانا*. ترجمه روح‌الله صادقی. تهران: نشر در دانش بهمن.
- پیشگاهی فرد، زهرا. (۱۳۸۰). «ابعاد جهانی شدن». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تهران)، ۴۵ (۱۵۷)، ۱۵۵ - ۱۷۲.
- حمید، محسن. (۱۳۹۸). *خروجی غربی*. ترجمه‌ی راهله میلانی. تهران: مروارید.
- درویش، محمود. (۲۰۰۲). *حالة حصار*. بیروت: ریاض الیس للکتب والنشر.
- روی، آرونداتی. (۱۳۸۷). *خدای چیزهای کوچک*. ترجمه گیتا گرکانی. تهران: علم.
- نصرتی، حمیدرضا و محمدی، حمیدرضا. (۱۳۹۵). «تبیین مفهوم تداوم یا فرسایش حاکمیت دولت ملی». پژوهش‌های جغرافیای سیاسی. دوره ۱، ش ۴ (مسلسل ۴)، ۴۱ - ۶۶.
- حجازی، بهجت السادات. (۱۳۸۵). «از ملی‌گرایی فردوسی تا فراملی‌گرایی مولوی». کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی (کاوش‌نامه)، ۷ (مسلسل ۱۲)، ۹ - ۳۲.
- طایفی، شیرزاد. (۱۴۰۳). «تأثیر جهانی‌شدن بر نقش و کارکرد آثار اندیشمند علوم انسانی-اجتماعی ایران، رضا سیّدحسینی». دوفصل‌نامه علمی مطالعات تطبیقی و میان‌رشته‌ای ادبیات. دوره ۱، شماره ۱، ۹ - ۲۷.
- لاهی‌ری، جومپا. (۱۴۰۳). *همنام*. ترجمه‌ی امیرمهدی حقیقت. تهران: ماهی.
- گارسا مارکز، گابریل. (۱۴۰۳). *صدسال تنهایی*. ترجمه‌ی بهمن فرزانه. تهران: امیرکبیر.

References

- Adichie, C. N. (2013). *Americanah*. New York: Alfred A. Knopf.
- Adichie, C. N. (2017). *Americanah* (R. Sadeghi, Trans.). Tehran: Nashr-e Dar Danesh Bahman.
- Adiga, A. (2008). *The White Tiger*. New York: Free Press.
- Adiga, A. (2019). *The White Tiger* (M. Daghighi, Trans.). Tehran: Niloufar.
- Appadurai, A. (1996). *Modernity at large: Cultural dimensions of globalization*. Minneapolis: University of Minnesota Press.
- Beck, U. (2006). *The cosmopolitan vision*. Cambridge: Polity Press.
- Darwish, M. (2002). *Hālat ḥiṣār [State of Siege]*. Beirut: Riyad El-Rayyes Books and Publishing.
- García Márquez, G. (1967). *Cien años de soledad*. Buenos Aires: Editorial Sudamericana.
- García Márquez, G. (2024). *One Hundred Years of Solitude* (B. Farzaneh, Trans.). Tehran: Amir Kabir.
- Gyasi, Y. (2016). *Homegoing*. New York: Alfred A. Knopf.
- Hamid, M. (2017). *Exit West*. New York: Riverhead Books.
- Hamid, M. (2019). *Exit West* (R. Milani, Trans.). Tehran: Morvarid.

- Hejazi, B. S. (2006). From Ferdowsi's nationalism to Rumi's transnationalism [in Persian]. *Kavoshnameh of Persian Language and Literature*, 7(12), 9–32.
- Lahiri, J. (2024). *The Namesake* (A. Haghighieh, Trans.). Tehran: Nashr-e Mahi.
- Nosrati, H. R., & Mohammadi, H. R. (2016). Explaining the concept of continuity or erosion of national state sovereignty [in Persian]. *Geopolitical Research Journal*, 1(4), 41–66.
- Pishgahifard, Z. (2001). Dimensions of globalization [in Persian]. *Journal of Faculty of Letters and Humanities (Tehran)*, 45(157), 155–172.
- Roy, A. (1997). *The God of Small Things*. London: Random House.
- Roy, A. (2008). *The God of Small Things* (G. Garkani, Trans.). Tehran: Elm.
- Tayefi, S. (2024). The impact of globalization on the role and function of the Iranian human and social sciences thinker Reza Seyed Hosseini [in Persian]. *Biannual Journal of Comparative and Interdisciplinary Literary Studies*, 1(1), 9–27.